

دین مصریان قدیم

بقلم : آتای دکتر منوچهر خداپار محبی

۱- مقدمه :

اگوست کنت فیلسوف بزرگ قرن نوزدهم فرانسه در قانون مراحل سه گانه مینویسد : شعور انسان سه مرحله را متناوباً یکی پس از دیگری طی میکند . اول مرحله ربّانی که علل پدیده‌های طبیعی را با خود قیاس میکند و از خویشتن قویتر می‌شمارد . دوم مرحله متافیزیک که انسان برای پدیده‌ها از قوای طبیعت صرف نظر میکند و بعالم مجردات متوسل میگردد . سوم مرحله تحقیقی که آدمی پدیده‌ها را با پدیده‌های دیگر تبیین میکند . در مرحله ربّانی تحولات فکری از آنی میسم (Animisme) شروع میشود که انسان ارواح نیک و بد را در سرنوشت خویش دخالت میدهد . سپس خدایان متعدد را پرستش میکند یعنی ارواحی که شماره آنها کمتر و دارای قدرت بیشتری میباشند مورد توجه و ستایش قرار میگیرند . پس از مدتی بجای خدایان متعدد بخدای واحد مؤمن میشود و آئین توحید بوجود میآید .

این مراحل سه گانه مذکور را میتوان بطور خصوصی در دین مصریان قدیم مطالعه کرد که از عقاید و آراء تسمیسم (Totémisme) شروع میشود و دوران آئین شرك را طی میکند و بواحد پرستی منتهی میگردد . بعبارت دیگر دین مصر محصول بیش از چهل قرن تحولات اجتماعی است که در سرزمینی قرار دارد که محل برخورد افریقائیان و سامیان است و نتیجه اختلاط و اجتماع آنان جمعیت مصر را تشکیل میدهد .

۲- منابع تحقیق در دین مصریان قدیم

نخستین منابع ما در باره دین مصر نوشته‌های یونانی و لاتینی است . هرودت که در قرن پنجم قبل از میلاد میزیسته و به مصر مسافرت کرده مینویسد : « مصریان مذهبی ترین مردم جهانند » .

مدارک دیگر جهت شناختن آئین این کشور بناهای تاریخی و کتیبه‌ها و آرامگاه‌های باستانی است که بخط هیرو گلیف بر روی پاپیروس ثبت است و مجموعه‌ای از عقاید روحانی و اجتماعی و دنیوی مصریان قدیم را تشکیل می‌دهد .

در ابتدای قرن نوزدهم یانگ (Young) انگلیسی کشف کرد که خط هیرو گلیف الفبا ندارد و ترسیمی است ولی تامدنی کسی قادر بخواندن آن نبود تا اینکه در ابتدای قرن نوزدهم شامپولین (Champollion) فرانسوی رمزخواندن و نوشتن هیرو گلیف را بدست آورد . در قرن نوزدهم و بیستم باستان شناسان فرانسوی و آلمانی و انگلیسی و مصری و امریکائی و بلژیکی و ایتالیائی ، در زمینه تاریخ قدیم این کشور تحقیقات فراوان کردند . متونی که در بناهای تاریخی و آرامگاه‌های مصری پیدا شده با وجود اینکه از یک کتاب مقدس بحثی نمیکند اطلاعات گرانبهائی در بردارد که محصول آنها کتب زیر است :

کتاب اهرام (Le Livre des Pyramides) مجموعه ایست از متونی که بر روی دیوارها و دهلیزها و راهروها و اتاقهای پنج پیرامید کوچک حکاکی شده و به سلسله پنجم و ششم مصر مربوط میگردد . این کتاب از سرنوشت پادشاه و مراسم گوناگون در جهان دیگر بحث میکند و بعضی از قطعات آن بسیار قدیمی است .

کتاب تابوتها (Le Livre des Sarcophages) متونی را تشکیل میدهد که بخط هیرو گلیف و تند و شکسته در داخل تابوتها و چوبها منقوش و بعصر امپراطوری وسطی مربوط است . این کتاب دارای دستوراتی است که طریق زندگانی و مبارزه در مقابل مخاطرات را در جهان دیگر بمردگان میآموزد .

کتاب مردگان (Le Livre des Morts) که فصل آن روی لوله پاپیروس درنوار کوچک مومیائی گرد آوری و اطراف آن باشاخ و برگ آراسته شده به عصر امپراطوری جدید مربوط است .

آدلف ارمان (Adolphe Erman) دانشمند آلمانی کتابی تحت عنوان « دین مصریان » نوشت که در سال ۱۹۳۴ میلادی بزبان آلمانی در برلن چاپ شد . در سال ۱۹۵۲ میلادی هانری ویلد (Henri Wild) این کتاب را بزبان فرانسوی ترجمه کرد و در پاریس منتشر ساخت .

کرك لينگر نیز در کتاب « تحقیقاتی در باره اساس و توسعه زندگانی مذهبی، همچنین در کتاب «مردم شرق مدیترانه» از دین مصر بحث میکند.

اتین دریوتن (Etienne Drioton) و ژاک واندير (Jacques Vandier) نیز کتابی بنام قصر تالیف کردند که در سال ۱۹۳۸ در پاریس بطبع رسید.

کتاب « رساله تاریخ ادیان » تالیف سدربلوم (Söderblome) که در ۱۹۲۵ در پاریس بفرانسه ترجمه شد و همچنین کتاب «افسانه‌ها و مراسم و ادیان» نگارش سالمن رناک (Salomon Reinach) که در سال ۱۹۰۴ در پاریس چاپ گردید در باره دین مصر مباحث فراوان دارد.

۲- آثاری از تمیسم و آنیمیسیم

در دین مصریان قدیم آثاری از بقایای تمیسم و آنیمیسیم یافت میشود که از نظر زندگانی آینده مردگان ارزش فراوان دارد. همچنین عقیده بخدایان متعدد و آئین شرك وجود دارد که بسوی واحد پرستی تحول می پذیرد.

در مصر قدیم حیوانات مقدس یافته میشود که در تمام کشور محترم میباشد. کامبوزیا پادشاه ایران در قرن ششم قبل از میلاد هنگام فتح مصر در مقابل سربازان خود تعدادی گربه و لک لک قرارداد تا مصریان بیاس احترام این حیوانات تیراندازی نکنند. بعضی از این حیوانات مانند تمساح فقط در بعضی از نواحی مقدس است. هرودت مینویسد: گوش و پنجه‌های پیشین این حیوان را با جواهر آرایش میدهند. بعضی از حیوانات بلحاظ فردی و طبق شرایط و علامت خاصی مقدس است مانند گاو و بز آیس سیاه که علامت سپید مثلثی شکل روی پستانی دارد. سراپم (Sérapeum) که در قرن نوزدهم توسط ماریت فرانسوی کشف شد شامل تابوتهائی است که در آنها جسد گاوهای نر مقدس جای دارد. بعضی از این حیوانات بمقام خدائی رسیده و بالارباب انواع محلی همسان گشته اند. خدایان غالباً با حیوانات همراه و باسر حیوانات و یا اعضای جاننداری که بر آنها اضافه میشود نمودار میگرددند. مثلاً هروس (Harus) سری چون شاهین و آنوبیس (Anubis) سری مانند شغال و توت (Toth) سری بشکل لک لک و باستی (Basti) سری نظیر گربه دارد.

ایزیس (Isis) غالباً دارای شاخ گاو است. سرخنوم (Khnum) خدای محلی

مصر علیا مانند قوچ است . این خدا سازنده جهان و جسم انسان است و داستانهایی آن بارها متوجه افسانه های دین تتم میسازد .

سدر بلوم (Säderblom) در کتاب خود موسوم به «رساله تاریخ ادیان» که ترجمه آن بزبان فرانسه در سال ۱۹۲۵ در پاریس بطبع رسیده مینویسد «تاریخ ادیان نظر گزنفون و فوئر باخ رانمی پذیرد که میگویند خدایان بشکل انسان ساخته شده اند . چه خدا قبل از اینکه نقش انسان را بپذیرد معمولاً بشکل حیوان تجسم مییابد . در نظر بدوی حیوان از انسان اسرار آمیزتر است .

آنچیسیم که یکی از عقاید مصریان قدیم میباشد ، نیروهای کم و بیش شبیه به ارواح و طبیعت و ستارگان و خورشید و درختها و شطوط مخصوصاً نیل را جان میدهد .

مصر قدیم جادو را میشناسد و بآن عمل میکند و بطلسم و مجسمه های درمان بخش عقیده دارد . این مجسمه ها وسایل ورد خوانی ضد مار و عقرب است . برای معالجه کسی که جانوری او را میگذرد روی سر مجسمه آب جاری میسازند آبی که از روی ستون حکاکی شده در روی مجسمه میگذرد دارای نیروی درمانی میگردد و باید بیمار آن آب را بیاشامد تا شفا یابد .

۴- زندگی پس از مرگ

در دین مصر قدیم عقیده به بقای پس از مرگ وجود دارد که گاهی تاریک و مبهم و ضد و نقیض بنظر میآید . برای روشن ساختن اینگونه تصورات باید بذکر اصول زیر پرداخت :

انسان زنده در حالی که یکفرد است ، دارای یک جسم و یک سایه و یک تصویر و یک نام و یک روح و یک جفت یا همزاد بنام کا (Ka) میباشد . این اشیاء مختلف در زندگانی پس از مرگ نقش مهمی را عهده دار است . جسدران باید قطعه قطعه و ناقص کرد بلکه لازم است از آن مراقبت و محافظت بعمل آید . از عصر نئولی تیک (Néolithique) مرده در مقبره امانت گذارده میشود . صورت بطرف خانه قرار میگیرد تا بتواند اولاد و کسان خود را تماشا کند . دست غالباً بسمت دهان است و مقداری دانه های گندم در اطراف سر قرار دارد پس از مرگ جسدر از امعاء

واحشاه خالی و خشک و مومیائی میکنند سپس آن را در بنای مجلل آرامگاه که خانه ابدی است میگذارند. پیرامیدها مدفن فرعونه امپراطوری قدیم است. پیرامیدهای گیزه (Gizeh) تحت حمایت ابوالهول متعلق به سلسله چهارم و هزاره سوم قبل از میلاد است. پیرامیدهای ساکارا (Saqqara) از آن سلسله پنجم و ششم میباشد. در اطراف اهرام سلطنتی، اهرام کوچک جایگاه ملکه و خانواده شاه و مقابر دیگر که اعراب آنرا بانک مینامند دیده میشود. هر چه زمان میگذرد اهرام کوچک و بانکها مهم میشود. در پایان امپراطوری قدیم و در عهد امپراطوری وسطی و جدید برای مراقبت بیشتر مصریان اجساد را در سردابها و قبرهای زیر زمینی جای میدهند.

چون تصویر معادل حقیقت است، زندگی مرده را با گذاردن مجسمه اش در قبر تضمین میکنند. گاهی مجسمه را در قبر دیگری بغیر از قبر جسد قرار میدهند. در نتیجه اینکارها شاهکار قلمزنی مجسمه های فرعونه و شخصیت های هنری را رونقی میدهد که مدفون در قبرستانهای مصر و مکتوم از چشم اغیار است. کافی نیست مرده پس از مرگ زندگانی از سر گیرد بلکه باید در آن جهان خوشبخت باشد. اینست که غذا و زینت آلات و گردن بند مروارید و وسایل آرایش قلمزنی شده روی دندان قیل و مجسمه برجسته زنان لغت یا بالباس بسمت ضامن (Ouchehti) و جواب دهنده در قبر قرار میدهند.

اگر یکی از خدایان کار سختی بمرده رجوع کند آن مجسمه بعنوان نماینده و جانشین آن کار را انجام میدهد. چون تصویر و حقیقت شیء تفاوت ندارد، پارچه های منقوش در داخل تابوت نماینده تمام اشیائی است که مرده در زندگانی بآن احتیاج دارد. قلمزنیهای برجسته و نقاشیها نشان میدهد که مرده در قلمرو خود حکومت میکند، یا اینکه خود را با ضیافت و سفر سرگرم میسازد و یا هدیه دریافت میکند.

ماسپرو (Maspéro) مانند بسیاری از سرشناسان مینویسد: این تصویرها باید بطوری ساهرانه حقیقت این صحنه ها را برای مرده ایجاد کند.

چون قدرت نام از تصویر بیشتر است، زندگانی پس از مرگ را با ترسیم نام مرده بر قرار ساخته و از روحانیون و عابریین تقاضا میکنند تا بدکر آن نام پردازند.

مصریان روح را جاویدان میدانستند و آنرا بشکل پرنده ای نشان میدادند که سری چون انسان دارد و بسمت آسمان پرواز میکند و یا اینکه در روی زمین ساکن و در دنیای زیر زمینی بزندگی مشغول است.

تشییع جنازه بانمایش تأثر آوری انجام میشود که نشان پیروزی مرده بر خصم خود شیطان است .

در عهد سلسله های اولیه، فقط شاه پس از مرگ حق زندگی در جهان خورشید را داشت ولی برای اینکه در ردیف خدایان پذیرفته شود بایستی در محاکمه موفق گردد و ثابت نماید که در روی زمین طبق عدل و داد حکومت کرده است . این امتیاز بتدریج درباره دیگران که دارای مشاغل مهمی بودند نیز منظور گردید .

حق زندگی جاویدان برای کسانی وجود دارد که در محکمه خدای بزرگ اموات از یریس حاضر شوند و بیگناهی خود را ثابت نمایند و تبرئه گردند . بنابراین افکار عالی اخلاقی که دارای ارزش اجتماعی است از دین مصریان ناشی میگردد . بنا بمندرجات کتاب مردگان اعترافنامه منفی زیر باید در محکمه از یریس ایراد گردد :

من بهیچ انسانی خیانت نکرده ام ، موجب بدبختی آیندگان نشده ام ، در خانه حقیقت رفتار زشت نکرده ام ، باید آمیزش نداشته ام ، بدنکرده ام ، چون رئیس بودم هرگز کسی را بیش از وظیفه مجبور بکار نکرده ام ، کار من ترس و فقر و رنج و بدبختی دربر نداشته است ، آنچه خدایان را بد آید نکرده ام ، هرگز کسی را نگریانده ام ، هرگز مرتکب قتل نشده ام ، هرگز خائنانه دستور قتل کسی را نداده ام ، هرگز موجب نشده ام ارباب باغلام بد رفتاری کند ، هرگز کسی را گرسنه نساخته ام ، بهیچ کس دروغ نگفته ام ، هرگز آذوقه معابد را غارت نکرده ام ، ذات مخصوص خدایان را تحقیر نکرده ام ، قالب و نوار موسیائی را ندزیده ام ، هرگز زنا نکرده ام ، مرتکب اعمال شرمگین باروحانیون نواحی مذهبی نشده ام ، آذوقه را کم نداده و گران قیمت نگذارده ام ، هرگز وزنه ترازو را فشار نداده ام ، سنگ ترازو را وسیله تزویر نساخته ام ، هرگز شیر را از دهان بچه شیرخوار دور نکرده ام ، چارپایان را در چراگاه قتل و غارت نکرده ام ، پرندگان خدایان را بادام نگرفته ام ، ماهی مرده را صید نکرده ام ، آب راهنگام طغیان برنگردانده ام ، مسیرقنات را عوض نکرده ام ، هیچگاه وسیله بد (معابد) نبوده ام ، بهدایای خدایان خیانت نکرده ام ، من پاك هستم ، چارپایان را از زمین خدا نرانده ام ، در میان خدا و مردم سد و مانع ایجاد نکرده ام ، من پاك هستم ، پاك پاك

حاشیه‌های مصور این متن در چندین نمونه از پریس رانشان میدهد که روی

تخت خود نشسته و در مقابل وی مرده قلب خود را در کفه ترازو قرار میدهد. یکی از خدایان موسوم به نت (Toth) نتیجه سنجش را ثبت میکند. روح دروغگو اول مجازات و سپس نابود میشود. روح راستگو تبرئه میشود و داخل در دارسعادت بهشتی میگردد.

روح جاویدان همان جفت یا همزاد است که آنرا کا (Ka) مینامند. «کاه» چیزی است که شخصیت فرد را معرفی میکند. و برای تعیین نوعی همزاد مشترک برای تمام افراد یک دسته بکار میرود. این تعریف کارا به تتم نزدیک میسازد. مره (Moret) در کتاب خود موسوم به «آیا کای مصریان یک تتم قدیمی است» مینویسد. در «کاه فردیت و شخصیت مانا و ذات خدائی دیده میشود.

با وجود عقاید فوق در نظر بعضی از مصریان خوشبختی را باید فقط در روی این زمین جستجو کرد. سدر بلم (Säderblom) در کتاب خود موسوم به «رساله تاریخ ادیان» مینویسد. شعار مصری، زندگی و آسایش و سلامت است. کرگ‌لینگر (Kreglinger) در کتاب خود موسوم به «مطالعات در باره اساس و توسعه زندگی مذهبی» مینویسد: «زنی که مرده است» برای شوهرش پیام زیر را میفرستد:

ای شریک من، شوهر من، همیشه بخور و بیاشام، مست شو، از عشق زنان لذت ببر، اعیاد را ستایش کن، شب مانند روز خود را در اختیار لذایذ بگذار، کمترین اندیشه در قلب خود راه مده، زیرا در کشور مغرب زمین خواب و تاریکی حکومت میکند. اینجامکانی است که هر که در آن وارد شود هرگز خارج نميگردد. در اینجا مومیائی شدگان میخوانند ولی هرگز بیدار نمیشوند. خدائی که در اینجا حکومت میکند خاموشی مطلق نام دارد.

سرود هارپست (Chant du Harpiste) که در ابتدای امپراطوری وسطی و هزاره سوم قبل از میلاد رواج یافته و آنرا روی قبور سیخوانده‌اند بهمین نتیجه منتهی میگردد: نازنده‌ای پیرو قلب خود باش، هر چه میتوانی تفریح کن، هرگز اجازه مده قلبت در مانده گردد، امیال خود را ارضاء کن، تا در روی زمین هستی در جستجوی خوشبختی باش. چون هیچکس اموال را با خود نخواهد برد، هیچکس پاینجائی

که آمد مراجعت نخواهد کرد.

۵- ارزش فراخه

از مشخصات دیگر دین قدیم مصریان ارزشی است که برای پادشاه خود فرعون قائل اند. فرعون تحت حمایت خاص خدایان مخصوصاً هر وس (شاهین خدا) قرار دارد و پرتوی از خورشید بشمار میرود. فرعون خدای خورشید و پسر خدا و بالاخره خدا است. این قدرت فوق انسانی از راه ارث بدست میآید. برای اینکه خون سلطنت پاک و محفوظ بماند پادشاه با خواهر و بانیمه خواهر خود ازدواج میکند. با وجود این عقیده پادشاهانی در تاریخ مصر دیده میشوند که شرایط فوق را دارا نیستند و از جانب پدر یا مادر از خون شاه بی بهره اند. برای اینکه این پادشاهان بتوانند حکومت کنند افسانه‌ای وجود دارد که سلطنت آنان را قانونی میسازد. خدا از آسمان نازل میشود پادشاه را در آغوش مادر زمین خلاق میکند، تقدیس پادشاه او را دارای نیروئی فوق طبیعی میکند و وی را برای سلطنت مصر علیا و سفلی شایسته میسازد. فرعون دو تاج بر سر دارد و جادوگر بزرگ نیروی خدائی را باو وارد میکند. پادشاه باید بر طبق عدالت حکومت کند. پدیده‌های طبیعت را نیز در اختیار دارد، گردش خورشید و طغیان شط نیل و خشکسالی که نتیجه اعمال بد مردم است از پادشاهان ناشی میشود. در نتیجه فرعون مظهر یا تظاهر پادشاه مطلوبی است که خالق جهان است. فرعون مانند خدا شایسته پرستش است در حیات با هر وس (Horus) و پس از مرگ با ازیریس در یک مقام قرار دارد.

۶- خدایان مصر

دین مصر قدیم مراحل ادیان بدوی تتم (Ttoem) و آنیما (Anima) را طی میکنند و بشکل شرك جلوه گر میگردد. تتم دسته غالب یا حیوان مقدس هر محل که دارای همه گونه قدرت میباشد تغییر حالت میدهد و بصورت خدای محلی نمایان میگردد. سیاست کشور این خدایان را متراکم میکند و سلسله حاکم خدای خود را در همه جا تحمیل مینماید و خدایان محلی عنوان خدایان نوعی بدست میآورند. روحانیون این خدایان را در سه وهشت و یانه دسته تقسیم میکنند و برای بیان روابط آنان افسانه‌های گوناگون ترتیب میدهند. آنچه در خلال قرون متمادی وحدت دین عصر را

ایجاد میکند وفاداری بیک متن مقدس و یایک سلسله از عقاید نیست، بلکه دوام و استمرار دائمی مراسمی است که بوسیله فراعنه پی در پی محفوظ میماند. پرستش خدایان که مالک قانونی سرزمین مصر میباشند اساس دین و وحدت مصر را بوجود میآورد. بدلایی میتوان چندتن از این خدایان را ذکر کرد.

در مرتبه اول ازیریس قرار دارد که با همسرش ایزیس و پسرش هروس شریک است. ازیریس خدای بزیریس در دلتا و مخصوص بیدس و ممفیس است و خدای اموات نیز بشمار میرود. روایات باستانی ازیریس را در مقابل برادرش ست (Seth) خدای علیا قرار میدهد که نشانه مبارزه شمال و جنوب مصر و پیروزی دلتا است. داستان ازیریس را میتوان چنین خلاصه کرد. امپراطور بزرگی که بر تمام زمین تسلط دارد تحت عنوان پادشاه نیکوکار حکومت میکند، جنگ را از میان میبرد، عدالت را برقرار میسازد، هنر و صنعت تعلیم میدهد، مردم را از توحش به تمدن میرساند. بدبختانه مطابق روایات یونانی برادرش ست (Seth) یا تیفن (Typhon) بروی حسادت میکند، ست (Seth) ازیریس را میکشد و جسم او را چهارده پاره میسازد ایزیس همسر خواهر ازیریس قطعات پراکنده جسد شوهر را جمع میکند و بوی زندگانی مجدد میدهد و روی جسد دراز میکشد و هروس را حامله میشود کودک خود را در زمین باطلاقی دلتا مخفی میسازد و تربیت میکند. هروس (Harus) بزرگ میشود و با ست (seth) مبارزه نموده پیروز میگردد و انتقام پدر را میگیرد و ازیریس امپراطور عالم اموات میگردد. این خدای نیکوکار رنجور دارای زندگی دوباره همیشه مورد علاقه و محبت مصریان قدیم میباشد. ازیریس بصورت مردی نشان داده میشود که در پوشش جنازه قرار دارد. سرش باتاج نوکدار آرایش دارد و دو پر در اطراف آن واقع است. ایزیس (Isis) هروس (Harus) کوچک را در آغوش دارد و بعنوان علامت و نمونه عشق مادری بکار میرود.

سدر بلم (Säderblom) مینویسد: تصویر ایزیس که هروس را در آغوش دارد بسیار مورد علاقه دین مصر قدیم است و سپس با داستان ایزیس در کشورهای مدیترانه ای منتشر میشود و بعنوان اصل و نمونه صورت و تمثال سریم کودک جلوه گر میگردد. در افسانه ازیریس مانند سایر ادیان شرح سرگ نباتات مربوط به زندگانی

جهان دیگر دیده میشود از یریس مانند آدنیس (Adonis) آکتئون (Actéon) هیپولیت (Hypolyte) دیونی زس زاگرس (Dionysos Zagreus) ارف (Orphée) و مسیح قهرمانی است رنجور و گریان که از زندگانی دوباره برخوردار است. در این افسانه یکنوع مراسم قربانی قدیمی دیده میشود. گاو نر مقدس چهارده قسمت میشود و بوسیله مؤمنین خورده میشود. از یریس مانند دیونیزس زاگرس (Dionysos Zagreus) گاو نر جوان که بوسیله تیتان (Titans) دریده میشود و زاوس (Zeus) او را دوباره بازندگی افتخار آمیزی زنده میکند.

خدای هلی پلیس که (Rê یا Râ) نام دارد و بزرگترین خدای مربوط به خورشید است گاهی در شب و زمانی در روز در دو قایق در آسمان سفر میکند.

آمن (Amon) خدای شهر کوچک تب ابتدا خدای تاریکی بود و در معبد متوسطی قرار داشت اما چون تب پایتخت گردید در بین خدایان در مرتبه اول قرار گرفت. روحانیون هلیوپلیس آنرا با (را) یکی کردند و این خدای کامیاب را آمون را (Amon-Râ) نامیدند.

در آخرین عهد دین مصر خدای سراپیس (Sérapis) یعنی از یریس آپیس (Osiris-Apis) رونق یافت. این خدای مصری سپس یونانی شد و موجب یکتاساختن عقاید رعایای مصر و یونان گردید.

۷- معابد

معابدی که مراسم عبادت خدایان مصری در آن بعمل میآمد خانه خدایان نام داشت. این بناها که برای پناه موجودات ابدی بکار میرفت با سنگ ساخته میشد. معبد آمن در تب مربوط به هدراسن سوم، پنج مرتبه بزرگتر از استان سن بود. در عهد آنتونیها چهل و دو معبد سراپیس وجود داشت و روحانیون بسیاری در این معابد خدمت میکردند که گاهی دارای ثروت بسیاری میشدند. مخصوصاً روحانیان آمن (Amon) قلمرو بزرگی در اختیار داشتند و در غارت مردم مستعمرات شرکت میکردند. در عهد رامسس سوم ثروت آمن شامل ۲۳۵۰۰۰ هکتار زمین و ۸۱۰۰۰ تن غلام و ۵۰۰۰ عدد مجسمه و ۲۱۰۰ رأس چارپایان اهلی بود.

مراسم روزانه معابد نگاهداری و آراستگی و پوشش خدا و مخارج تغذیه آن

برای پادشاه عایدی سرشاری داشت. مراسم دسته و راه پیمائی با آواز دسته جمعی در دین مصریان قدیم معمول بود هرودت مینویسد این مراسم را در شب انجام داده و در روی دریاچه سائیس در بعضی اعیاد بیاد از یربس نان قندی میخورند.

۸- یکتاپرستی

در عهد سلسله هیجدهم در قرن چهارده قبل از میلاد پادشاهی بنام آمن هتپ (Aménhotep) چهارم یا آمنوفیس (AménoPhis) چهارم یکتاپرستی را در مصر برقرار کردند. یکی از خدایان بنام آتن (Atan) (مظهر قرص آفتاب) را که تا آن زمان چندان ارزش نداشت بعنوان خدا پذیرفت. چون در تب نفوذ روحانیون آمن بیشتر بود و مانع اجرای اصلاحات جدید میشد، در سال چهارم سلطنت پایتخت را ترك کرد و در مصر وسطی شهر جدیدی بنام اختاتون (Akhetatan) (افق قرص آفتاب) موسوم به تل ال آمارنا (Tell-el-Amarna) بنا کرد. چون در اثر نفوذ و بقایای سازمانهای بدوی نام هنور اثر جادویی داشت، بدون اینکه نام خدایان دیگر را محو سازد نام آمن را در همه جا از میان برد و مراسم آنرا ممنوع ساخت و نام سابق خود را که (آمن بمعنی خشنود است) ترك کرد و آنرا به اختاتون (Akhnaton) یعنی در خشنودی آتن مبدل ساخت. طبق دستور وی مامورین در پایتخت جدید قرار گرفتند و نام آتنی (Atonien) بر خود نهادند. با این تحول بزرگ مذهبی پادشاه جدائی آشکاری بین شرك قدیم و واحد پرستی جدید ایجاد کرد و با این عمل در نظر داشت اولاً قدرت سیاسی روحانیون آمن را در هم شکند و ثانیاً دین در انحصار مردم تب نباشد و ثالثاً رعایای غیر مصری امپراطوری نیز بتوانند از آن استفاده کنند.

باین ترتیب دین آفتاب مقدمات پیدایش طرز تفکر همگانی بودن ادیان را در جهان ایجاد کرد.

اخناتون فقط به از میان بردن مراسم گذشته اکتفا نکرد بلکه مقررات جدید مذهبی برای زندگی همگانی وضع نمود. در این دین خورشید مظهر حقیقت و شعار و علامت بشمار میرفت. آنچه شاه در مقام خدائی میشناخت یک وجود قادر نبود بلکه موجودی شبیه انسان و مانند وی محدود بود. خدا خورشید طبیعی نبود، بلکه تمام امور نیک مانند گرما و روشنایی و ... که آن ستاره در جهان منتشر میکند.

فرعون این اعمال نیک و این نیروی حیات بخش را در اطراف خود آشکار ساخت و مداخله خدای خورشید را در آفرینش جهان و در حوادث عجیب زمان که در اطراف وی جریان دارد شناخت. سرود زیبایی نیز بافتخار خدای خود بشرح زیر سرود :

تو درخشان در افق نمودار میشوی ، آسن زنده ! تو که زمان پیدایش اشیاء زندگی میکردی . هنگامی که تواز افق مشرق برمیخیزی تمام کشور هارا با زیبایی خود روشن میسازی . چون نمودار میگردی بزرگ درخشان نورانی و با قدرت در بالای کشورها ، انوار تو تمام کشورها را که آفریده ای تا پایان جهان در برمیگیرد . گرچه تو از مادور میباشی با وجود این فروغ تو بزمین میآید و خود را در گردش مردم نشان میدهی . . . بامدادن که نمودار میگردی ، زمانیکه در تمام روز روشنائی در روی زمین مصرف میکنی و تاریکی را از میان میبری از روشنائی خود با هدیه میدهی . چون در کشورشادی میکنند ، مردم بیدار میشوند و برمیخیزند ، این تو هستی که آنان را بیدار کرده ای . آنان خود را میشوند ، لباس خود را میپوشند و چون نمودار میشوی ، تورا پرستش میکنند . زمین کار خود را از سر میگیرد . چارپایان اهلی از علفها که بآنها میدهی خوش حال اند . درختان و چمنها سبز میشوند پرندگان از لانه خارج میشوند و بالبهای خود کای (Ka) تورا عبادت میکنند . بزها بجست و خیز مشغول میشوند ، پرندگان و تمام موجودات که در هوا سیر میکنند . . .

کشتیها در شط بالا و پائین میروند . تمام جاده ها از پیدایش تو باز میشود . حتی ماهیهای شط خود را بطرف تو پرتاب میکنند زیرا نور تو تاته آب داخل میگردد . این تو هستی که کودک را در اغوش مادر پرورش میدهی و او را آرام میسازی که گریه نکند . این تو هستی که روح جان پرور مهر کودک که آفریده ای میدهی . دهانش را هنگام فریاد کردن باز میکنی . زندگی او را حفظ میکنی . چون پرنده کوچکی از تخم خارج گردد و در پوست تخم صدا کند این تو هستی که با او هوا میدهی تا او را زنده سازی ، از فضل تو است ده او قدرت مییابد پوشش خود را بشکافد .

چه بسیار چیزهاست که تو خلق کرده ای ، تو زمین را هرطور که خود خواستی در هنگام تنهائی خلق کردی . توئی که همان موقع مردم و گله ها و چارپایان و تمام آنچه را که در زمین زندگی و حرکت میکند و آنچه را که در هوا میپرد آفریده ای . در کشورهای خارجه ، سوریه ، حبشه و در همه جا هر کس را در جای خود

قرار داده‌ای و از آنان مراقبت میکنی و غذائی که لازم است میدهی .
وقتی که تودر بالای زمین میدرخشی چشمهاتورا تماشا میکند .

در این دین نوعی تناسخ دیده میشد و وساطت طبقه روحانیان لازم نبود. معبد آمارنی (Amarnien) حیاط و دالانهائی داشت که فوق آنها بسمت آسمان باز بود و محراب اصلی از اشعه خورشید حمام میگرفت .

این انقلاب بزرگ دینی تحول بزرگ اخلاقی در برداشت . خورشید بتمام ملل از فقیر و غنی یکسان نور افشانی میکرد . و بدین ترتیب در همه اینها پرتو ایزدی وجود داشت که همه از اختیار و غریزه سرچشمه میگرفت . آزادی و عشق طبیعت و علاقمندی خالق بمخلوق خود اساس دین آمار نیها بشمار میگرفت .

در هنر نیز تحولاتی پدیدار گشت . امور غیر مادی و عالم مجردات و روحانیت رونق گرفت ، عشق طبیعت در همه جا در معبد تل ایل آمار نادر دین ، درسرودها ، در خورشید ، در صحنه زندگی خانوادگی ، در آرایش خانه ها نفوذ کرد . پرندگان ، گلهای میوه ها ، دیگر فقط برای زینت و آرایش و قلمزنی بکار نمیرفت و بلکه عطایای عالی و باارزش طبیعت محسوب میشد که بادقت و حساسیت کامل از آنها بهره برداری میکردند .

روایات قدیم و روحانیون از این تحول اجتماعی که منافع آنان را بخطر میانداخت ناراضی شدند و بمبارزه برخاستند . اخناتون در سن بیست و نه سالگی در گذشت و داماد اول او پادشاه شد و یکسال سلطنت کرد . داماد دومی از روحانیون آن اطاعت کرد و آمار نارا بقصد تب ترك کرد . نام خود را ازتوتان خاتن (Tautankhaton) به توتان خامن (Tautankhamon) تغییر داد . جانشین این پادشاه هرم هب (Haremheb) چون نظامی و دست پرورده روحانیون بود عبادتگاهها را ویران و نام آتن را پاک کرد و دوباره در همه نام آمن را برقرار ساخت و باین ترتیب بزرگترین جنبش دینی تاریخ عمومی جهان و مصر پایان یافت .

۹. نتایج اجتماعی

از قرن چهارم قبل از میلاد آئین ایزیس امهد زندگی پس از مرگ را برقرار

ساخت و سپس این عقیده در یونان و روم منتشر شد. از پریس و سراپیس موهبت ایزیس را تقسیم کردند.

سراپیس باژوپیترا همسان گردید و خدای کسانی شد که بواحد پرستی تمایل داشتند.

در ابتدای قرن اول میلادی مراسم مصری بیش از پیش وضع همگانی بخود گرفت و یک-جنبش زنده عرفانی بوجود آورد.

مؤلفین لاتین مینویسند: روحانیون ایزیس موی صورت و فرق سر میتراشیدند و لباس کتان مانند برده در بر میگردند و بوسیله زنگوله زنگ میزدند و مؤمنین را برای انجام مراسم در مقابل صورت دعوت میکردند.

نمونه‌ای از این مراسم را میتوان در ادیان روم و ایتالیائی لاتین بدست آورد. در سال ۱۷۹۸ در پاریس کتابی منتشر شد و میرا بوانرا تحت عنوان نوحه تیبول (Élégie de Tibulle) ترجمه کرد در این کتاب مینویسد: معبد ایزیس در لوتس (Lutèce) پاریس فعلی در قریه ایسی (Issy) وجود داشت و یک خلیفه مسیحی در قرن شانزدهم میلادی یک مجسمه (Géesse) رب النوع را ویران کرد.

محتویات کتاب مردگان بخوبی نشان میدهد که اصول تعلیمات اخلاقی عالم متمدن جدید تازگی ندارد و آنچه سزاوار یک زندگانی صحیح مشروع انسانی است در هزاران سال پیش با تلقین روحانیان و خردمندان مصری بر الواح سنگی که در دل کوه حک شده اند برقرار است و بطوریکه دانشمندان عصر تحقیق کرده اند قسمت مهمی از دستورهای اخلاقی و دینی سوسی آنچه آنکه در تورات آمده از این نوشته‌ها سرچشمه میگردد که بنی اسرائیل در مدت اقامت در مصر آنها را فرا گرفته و در مراجعت از مصر تحت قیادت موسی که شاید در حدود قرن چهاردهم قبل از میلاد اتفاق افتاده باشد آن تعالیم و عقاید را با خود برده و در ارض اقدس و در کتب مقدس انتشار دادند. گرگ لینگر در کتاب خود موسوم به «تحقیقات در باره اساس و توسعه زندگی مذهبی» مینویسد:

احکام دهگانه‌ای که موسی به بنی اسرائیل تعلیم داد همان افکار و عقاید مصریان قدیم است. این عقاید مخصوصاً عقیده بمعاد سپس توسط کتب یونانی و مجوس به عالم مسیحیت رسید. امید بزندگی جاودانی پس از مرگ با عرفان عالی که

در برداشت مراسم ازیریس و ایزیس را از ابتدای امپراطوری تا سرحد جهان رم انتشار داد .

دین مصریان قدیم خدمات بزرگی بعالم انسانی کرد و موجب پیدایش و ترویج افکار و علوم و فنون گردید . مثلاً اولین کشوری که تقویم بکار برد مصر فراغه بود. این تقویم براساس گردش آفتاب قرار داشت و برطبق آمد و رفت فصول تنظیم شده و باروزهای بیست و چهار ساعت و هفته های هفت روز مورد استفاده قرار میگرفت . این تقویم را ژول سزار بامختصر تغییری بجهان رم تحمیل کرد . در قرن شانزدهم پاپ گرگوار سیزدهم در آن اصلاحاتی بعمل آورد و آنرا همگانی ساخت . در اثن و واندیه تاریخ پیدایش این تقویم را در پنجمین هزاره قبل از میلاد میدانند و آنرا مربوط بستاره شناسان ناحیه بزرگ مذهبی هلی یوپولیس (Héliopolis) میدانند مقررات مذهبی ساختمان پیرامیدها را الزام کرد و موجب پیدایش و توسعه علم هندسه گردید . مصریان قدیم در طرز ساختمان حتی حکم معابر در کوهستان و نظایر آن در معماری هخامنشی تأثیر کردند. علامت دوپر عقاب در کشور ایران با تصویر شبیه بانسان در وسط آن که گویا تصویر اهورمزداست و در حجاریهای تخت و غیره هست و در این زمان آنرا فروهر مینامند و بعضی آنرا مانند شعار ایران قدیم گرفته اند تقلید و اقتباس از نقوش مشابه مصریست که بر فراز طاقهای اغلب ابنیه بزرگ معابد فراغه باتصاویر مختلف منقوش است. امید بزندگی پس از مرگ در مدت ده قرن در مصر موجب آرامش و تسکین درد و پریشانی مردم گردید و سپس باآئین ایزیس و ازیریس و و سراپیس ، در خارج از مصر منتشر گردید .

نظریه اعتراف که از اموات خواسته میشد مبانی عالی اخلاق ایجاد کرد . طرز تفکر واجد پرستی اخناتون فکر مساوات را در تمام موجودات در مقابل خالقشان خورشید پدید آورد و موجب لذت از زندگی و عشق بمخلوقات و ترویج آزادی گردید .